

اهمیت طرد اتباع غیرمجاز چیست؟

خلاءهای نظام مهاجرتی ایران



پایان چشم‌انتظاری داوطلبان کنکور را اعلام کنید

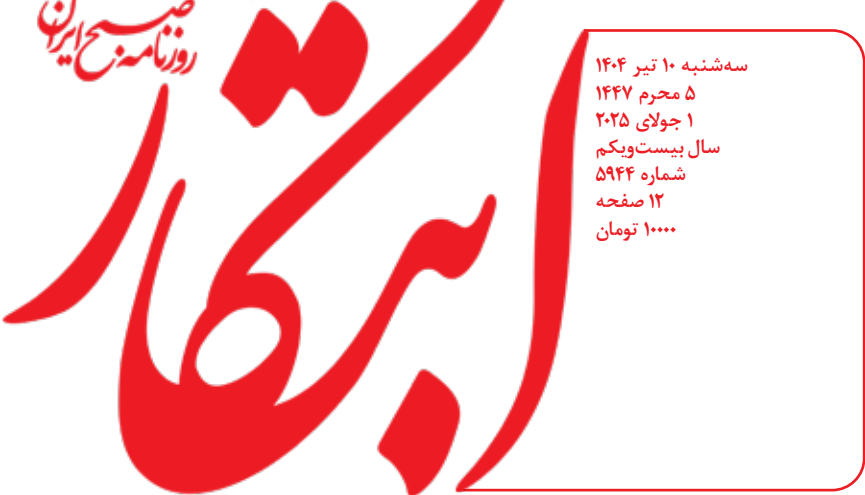
کنگوری‌ها در خلسه‌ا!

صفحه ۲

یک کارشناس مسائل بین‌الملل گفت که دشمن تصور می‌کرد با حملات اولیه یک شورش بزرگ در ایران اتفاق بیفتد ولی طرح دشمن به دلیل عدم حمایت مردم از این اقدامات، خنثی شد.

«نوذر شفیع» کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به حمایت مردم از دفاع نیروهای مسلح در مقابل تجاوز رژیم صهیونیستی به کشور و مراکز هسته‌ای و نظامی گفت: به طور کلی امروزه دولت‌ها بر روی سرمایه اجتماعی‌شان که مردم و اعتماد عمومی به دولت‌ها و حکومت‌هاست، حساب ویژه باز می‌کنند.

وی گفت که این سرمایه اجتماعی گاهی ناشی از احساس تعلق ملت به سرزمینش است و گاهی ناشی از احساس تعلق به دولتش. به ویژه آن قسمتی که ناشی از احساس تعلق ملت به دولت است متاثر از کارکرد دولت‌هاست، یعنی وقتی دولت خدماتی را به ملت ارائه می‌دهد و دولت کارآمد است، مردم هم برای حفظ آن



چگونه باید انسجام ملی در جنگ ۱۲ روزه را قدر دانست؟

ضرورت محافظت از همبستگی ملی

گروه سیاسی – به طور قطع نباید چشم‌را بر واقعیت بست و گلابه های مردم طی این سال ها را نادیده گرفت اما باید قدر این فرصت را برای انسجام ملی دانست و رویه حکمرانی را تا حد زیادی متاثر از این همبستگی طرح ریزی کرد.

چنانکه معاون سیاسی وزیر کشور با تأکید بر اینکه انسجام و مشارکت واقعی مردم، مؤلفه اصلی امنیت پایدار کشور است، گفت: این انسجام دولت‌ساخته نیست، بلکه برآمده از روح جمعی ملت ایران است که در بزنگاه‌های تاریخی به‌خوبی خود را نشان داده است.

همچنین عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز درباره ضرورت انسجام و اتحاد در شرایط کنونی، به ایرنا گفت: وقتی که نسل Z را تعریف می‌کردند در ارتباط با این نسل می‌گفتند که آنها یک نسل فردگرایی هستند که منافع خودشان برایشان مهم است.

وی افزود: کسی تلقی نمی‌کرد که این‌ها مجموعه‌های باشند که در یک رویداد ملی و جمعی حضور پیدا کنند، یعنی اضطراب و نگرانی جمعی نگرانی آن‌ها شود. معمولاً مجموعه «خودمحور – فردگرا» برای آنان تعبیر شده بود، دلیلش هم مشخص بود. به جای پدر، مادر مساجد و دین، مرحیت آنها در گوشی‌ها بود و دنیای بزرگ خود را در گوشه‌ای از اتاق داشتند.

شرح درصفحه ۲



مهم‌ترین جلوه جنگ ۱۳ روزه میان ایران ورژیم صهیونیستی چه بود؟

به نارسیایی‌ها و خواست قاطبه مردم پاسخ دهد.

وی گفت: مهم‌ترین جلوه جنگ ۱۲ روزه میان ایران و رژیم صهیونیستی، حمایت ملت و پای کار ماندن آن‌ها بود. دشمن تصور می‌کرد با اقدامات اولیه که انجام داد به حمله به ایران بپردازد، اما با مقاومت و شجاعت مردم ایران، دشمن نتوانست به اهداف خود برسد. این امر نشان‌دهنده همبستگی و اتحاد مردم ایران است. دشمن تصور می‌کرد که با حمله به ایران، می‌تواند به اهداف خود برسد، اما با مقاومت و شجاعت مردم ایران، دشمن نتوانست به اهداف خود برسد. این امر نشان‌دهنده همبستگی و اتحاد مردم ایران است.

اتفاقاتی بیفتد که موجب آسیب جبران ناپذیر به سرزمین و موجودیت آن شود و بحثی هویتی در میان بود. دلیل دیگر که مردم با دشمن علیرغم برخی مشکلات و ناملایمات همراهی نکردند این بود که بخش قابل توجهی از مردم نسبت به دولت هم احساس تعلق و همراهی نشان دادند و با نوعی با این رفتار به دولت و حاکمیت اعلام کردند که برای تجدیدنظر در برنامه‌های و سیاست‌های به نفع امنیت و رفاه و آرامش مردم هنوز هم زمان هست. وی خاطرنشان کرد: اگر بخشی از اتحاد مردم در مقابله با دشمن را ناشی از احساس تعلق به حکومت بدانیم در این رفتار انتظاراتی معطوف به آینده وجود دارد و این طور بیان می‌کند که با اصلاح سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌هایش به برخی نارسایی‌ها پاسخ دهد. در نتیجه اگر قرار باشد مجدد این وحدت و اتحاد نظر در بین مردم حفظ شود، فکر می‌کنم که احساس تعلق به سرزمین جاری است ولی بخش مربوط به دولت بستگی دارد که دولت تا کجا بتواند

دولت تلاش می‌کنند. واکنش مردم ایران نسبت به جنگ ۱۲ روزه «استثنایی» بود

این کارشناس مسائل بین‌الملل واکنش مردم ایران نسبت به جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه کشورمان را واکنشی «استثنایی» دانست و گفت: دشمن تصمیم داشت مردم را از دولت و حکومت جدا کند، شاید امید اصلی‌اش هم همین بود. آنها پیش از آنکه بر روی اقدامات نظامی اثربخش تمرکز داشته باشند، امیدوار بودند که قطبی شدن جامعه و فعال شدن شکاف‌های سیاسی اجتماعی اثر بخش باشد و این مساله را هم به روشنی در مواضع و اقدامات‌ش بیان کردند، اما این اتفاق نیفتاد. شفیعی درباره دلایل محقق نشدن خواست و انتظار رژیم اسرائیل برای همراه کردن مردم و شوراندن آنها علیه حاکمیت در شرایط فعلی گفت: مردم نسبت به سرزمین خود احساس تعلق کردند و نگران بودند و هستند،

یادداشت

سعید یادپار

در این یادداشت، به‌جای بحث‌های سیاسی رایج، می‌کوشیم با بهره‌گیری از «مرام‌نامه سیاوش» به‌عنوان الگوی ملی‌گرایی اخلاق‌محور، به تحلیل پرسش اساسی زیر بپردازیم: آیا همراهی رضا پهلوی با حمله نظامی خارجی اخیر به منظور گذار از جمهوری اسلامی، در چارچوب مفهوم «ملی‌گرایی» قرار می‌گیرد؟

به عنوان دانش‌آموخته ایران‌شناسی و فعال فرهنگی، با پوست و گوشت زیسته‌ام که وطن تنها یک جغرافیا نیست، بلکه یک حافظه جمعی و یک مسئولیت اخلاقی است. در هر کوچی شهر وروستا، در هر نقش و نگار بنای تاریخی، در نقوش گلیم و گبه ی عشایری، در صدای ساز و نواهای ملی و محلی، صدای مردمانی را می‌شنوم که ایران را نه با واژه، بلکه با ریخ، با امید، با مقاومت حفظ کرده‌اند. در چنین بستری، شنیدن مواضعی مبهم، یا حتی متماثل به حمایت از «مداخله نظامی خارجی»، از سوی افرادی که خود را «وارثان تاج» می‌نامند، نه تنها آزارنده، بلکه نشانه گسست عمیق با مفهوم ملی‌گرایی ایرانی است. شاهنامه فردوسی به ما آموخته که مشروعیت، نه از شجره‌نامه، بلکه از منش برمی‌خیزد. در شاهنامه، ایران نه صرفاً نام یک کشور، بلکه نماد یک جهان‌بینی انسانی و اخلاقی است. وطن، خانه‌ی داد و خرد است؛ شاهان و پهلوانان در شاهنامه زمانی مورد ستایش‌اند که از داد دفاع می‌کنند و سرزمین را با خردمندی پاس می‌دارند. دفاع از ایران، دفاع از هویت است؛ رستم، گودرز، سیاوش، کی‌خسرو و بسیاری دیگر، شمشیر به دست می‌گیرند نه برای قدرت، بلکه برای دفاع از هویت فرهنگی و اخلاقی ایران‌زمین. در گسترهی اسطوره‌های ایران، هیچ شخصیتی چون سیاوش، این‌گونه با ریشه‌های وطن پیوند نخورده است. او که از بدو تولد نشانه های بزرگی و اصالت را در خود دارد از ابتدا به رستم سپرده می‌شود و در دامن مهم‌ترین پهلوان ایران زمین نه تنها رسم جنگاوری بلکه زندگی و اخلاق را فرا می‌گیرد. هنرهایم‌وختش سر به سر بسی رنجه‌ها برد و آمد

سیاوش چنان شد کاندز جهان همانند او کس نبود از کس نهان سیاوش، شاهزاده‌ای است که نماد کامل میهن‌دوستی بی‌بده و شرط است. داستان سیاوش در دل شاهنامه نه فقط یک تراژدی خانوادگی یا اخلاقی است، بلکه تجسمی است از ملی‌گرایی امیل. وی با وجود اینکه در تبعید بود، وقتی پیشنهاد افراسیاب برای جنگیدن با ایران را رد کرد، اعتماد شاه را کاملاً از دست داد. او ترجیح داد جان دهد، ولی علیه میهن شمشیر نکشد و این وفاداری به ایران، مایه خشم و کینه پادشاه شد. سیاوش، خاک ایران را با هیچ امتیازی عوض نمی‌کرد. در تمام سال‌های زندگی(تبعید) در توران، سیاوش به میهن

خبر

ترامپ:

هیچ پیشنهادی به ایران نخواهم داد



رئیس‌جمهور ایالات متحده به ادعاهای مطرح‌شده توسط سناتور آمریکایی درباره قصد وی برای لغو تحریم‌های ایران واکنش نشان داد و گفت که چنین چیزی صحت ندارد.

به گزارش ایسنا، «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور ایالات متحده روز دوشنبه و در واکنش به اظهارات اخیر سناتور دموکرات «کریس کونز» مبنی بر تمایل وی به لغو تحریم‌های نفتی ایران، این ادعا را رد کرد.

او در پیامی که روز (دوشنبه) در شبکه اجتماعی خود به نام «تروث سوشال» منتشر کرد، نوشت: «به سناتور دموکرات دروغگو، کریس کونز، بگوئید که من هیچ چیز به ایران پیشنهاد نمی‌دهم، برخلاف اوایما که میلیاردها دلار تحت توافق احمقانه "برجام" به آن‌ها داد (که حالا هم منقضی شده)».

رئیس‌جمهور آمریکا همچنین بار دیگر به حمله جنایتکارانه این کشور به تاسیسات هسته‌ای ایران اشاره کرد و گفت: من با آن‌ها حتی صحبت هم نمی‌کنم، چراکه ما تاسیسات هسته‌ای آن‌ها را کاملاً نابود کردیم. این اظهارنظر متناقض ترامپ درحالی است که او سه‌شنبه گذشته گفته بود هفته آینده با ایرانی‌ها دیدار خواهیم کرد.

رسانه آمریکایی ان‌بی‌سی هم روز شنبه گزارش کرده بود که «استیو وینکاف» فرستاده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا، در روزهای آینده مذاکراتی را در مورد توافق احتمالی با ایران برای توقف غنی‌سازی اورانیوم در ازای لغو تحریم‌ها انجام دهد.

ایران بارها تأکید کرده غنی‌سازی در خاک خود، یک خط قرمز است و قابل مذاکره نیست.

«سید عباس عراقچی» وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز درباره تمایل آمریکایی‌ها گفت: اینکه به مذاکره با آمریکا برگردیم یا نبرگردیم در حال بررسی است. منافع ایران ما مهم است. مذاکره یک امر مقدسی نیست و یک پدیده‌ای است که با توجه به محاسبه هزینه و فایده در مورد آن تصمیم‌گیری می‌شود.

او در مورد صحبت‌های ترامپ مبنی بر اینکه قرار است هفته آینده با ایران صحبت کنیم، گفت: صحبت‌های ایشان را خیلی جدی نگیرید. هیچ توافقی برای شروع مذاکره صورت نگرفته است، نه صحبتی نه قول و قرارى در این زمینه نشده است و همان‌طور که اشاره کردم بین خودمان در حال بررسی هستیم که بر اساس منافع ایران چه راهی را در پیش بگیریم و این یک بحث دیگری است. ترامپ پیش از این هم گزارش برخی رسانه‌های این کشور مبنی بر اینکه واشنگتن برای ترغیب ایران به توقف غنی‌سازی اورانیوم قصد دارد میلیاردها دلار در برنامه هسته‌ای تهران هزینه کند، رد کرد.

چهار منبع مطلع به شبکه آمریکایی سی‌ان‌ان گفته بودند دولت ترامپ برای بازگرداندن ایران به پای میز مذاکره، در حال بررسی امکان کمک به تهران برای دسترسی به حدود ۳۰ میلیارد دلار جهت ساخت یک برنامه هسته‌ای غیرنظامی برای تولید انرژی، کاهش تحریم‌ها و آزادسازی میلیاردها دلار از دارایی‌های مسدودشده ایران است.

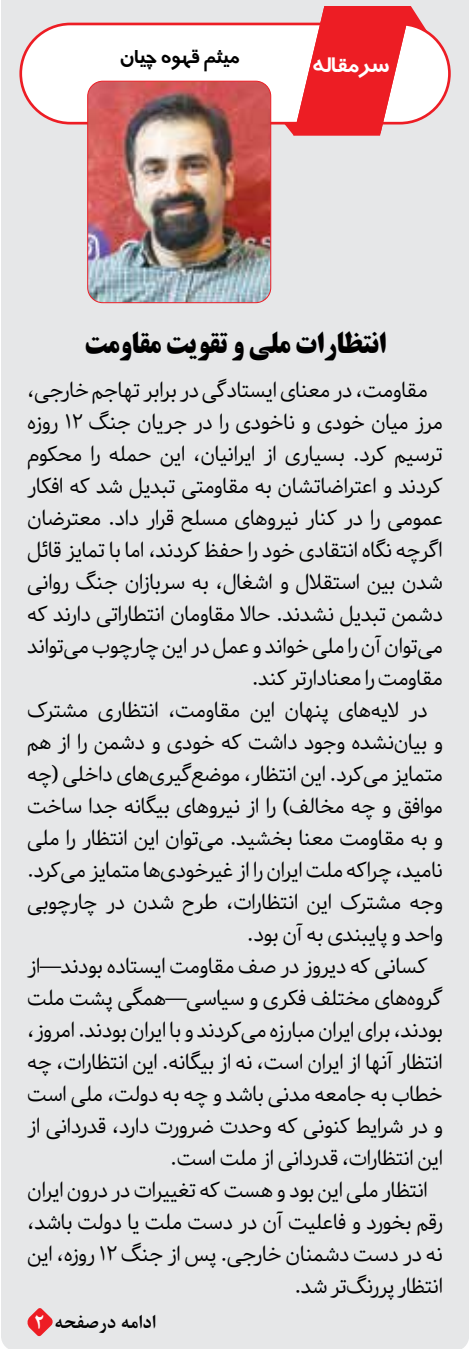
او شامگاه جمعه در پیامی در شبکه اجتماعی تروث سوشال نوشت: در رسانه‌های خبری جعلی، چه کسی آنقدر نفرت‌انگیز است که می‌گوید «رئیس‌جمهور ترامپ می‌خواهد ۳۰ میلیارد دلار به ایران بدهد تا تاسیسات هسته‌ای غیرنظامی بسازد». هرگز چنین ایده مسخره‌ای نشنیده‌ام. او سپس این گزارش‌ها را «فریب» خواند.

پزشکیان در گفت‌وگو با رئیس‌جمهور فرانسه مطرح کرد

انتقاد از رفتارهای دوگانه

آژانس انرژی اتمی

صفحه ۲



مقاومت، در معنای ایستادگی در برابر تهاجم خارجی، مرز میان خودی و ناخودی را در جریان جنگ ۱۲ روزه ترسیم کرد. بسیاری از ایرانیان، این حمله را محکوم کردند و اعتراضاتشان به مقاومتی تبدیل شد که افکار عمومی را در کنار نیروهای مسلح قرار داد. معترضان اگرچه نگاه انتقادی خود را حفظ کردند، اما با تمایز قائل شدن بین استقلال و اشغال، به سرایازان جنگ روانی دشمن تبدیل نشدند. حالا مقاومتان انتظاراتی دارند که می‌توان آن را ملی‌خاوند و عمل در این چارچوب می‌تواند مقاومت را معنادارتر کند.

در لایه‌های پنهان این مقاومت، انتظاری مشترک و بیان‌نشده وجود داشت که خودی و دشمن را از هم متمایز می‌کرد. این انتظار، موضوع‌گیری‌های داخلی (چه موافق و چه مخالف از از نیروهای بیگانه جدا ساخت و به مقاومت معنا بخشید. می‌توان این انتظار را ملی نامید، چراکه ملت ایران را از غیرخودی‌ها متمایز می‌کرد. وجه مشترک این انتظارات، طرح شدن در چارچوبی واحد و پایبندی به آن بود.

کسانی که دیروز در صف مقاومت ایستاده بودند—از گروه‌های مختلف فکری و سیاسی—همگی پشت ملت بودند، برای ایران مبارزه می‌کردند و با ایران بودند. امروز، انتظار آنها از ایران است، نه از بیگانه. این انتظارات، چه خطاب به جامعه مدنی باشد و چه به دولت، ملی است و در شرایط کنونی که وحدت ضرورت دارد، قدردانی از این انتظارات، قدردانی از ملت است.

انتظار ملی این بود و هست که تغییرات در درون ایران رقم بخورد و فعالیت آن در دست ملت یا دولت باشد، نه در دست دشمنان خارجی. پس از جنگ ۱۲ روزه، این انتظار برترنگ‌تر شد.

ادامه درصفحه ۲

در کتاب «پاسخ به تاریخ» در نگاه نمادین، سعی داشت خود و خاندانش را همچون ادامه‌ای از سیاوش، کوروش یا خسرو انوشیروان معرفی کند. ناسیونالیسم فرهنگی پهلوی، در بسیاری موارد، به شاهنامه، فردوسی و عناصر تمدن پیشا اسلامی تکیه داشت تا نوعی «ادامه مشروعیت» ایجاد کند. هم اینک نیز بسیاری از طرفداران سلطنت، به نظام پادشاهی مشروطه به‌عنوان مدلی برای نجات ایران از بحران‌های کنونی نگاه می‌کنند.

پیشتر اشاره شد، به‌جای بحث های سیاسی رایج روزه، هدف این است که با بهره‌گیری از «مرام‌نامه سیاوش» به‌عنوان الگوی ملی‌گرایی اخلاقی محور، ثابت کنیم که رضا پهلوی، با وجود مدعی بودن از نژاد شاهانه، از آزمون‌های بنیادی ملی‌گرایی ایرانی نمره‌ی قبولی نمی‌گیرد. چرا که در روزهای که ایران زیر آتش حملات هوایی کشورهای بیگانه بود، او همنوایی با مهاجمین را برگزیده است. رضا پهلوی، با آنکه خود را وارث سنت شاهان ایران می‌خواند، اما درک ژرفی از حافظهی تاریخی ملت این سرزمین ارائه نمی‌کند؛ حافظه‌ای که بارها، از امید بستن به نجات بیرونی، زخم‌خورده است. از سقوط هخامنشیان به‌دست اسکندر، تا فروپاشی ساسانیان در سایه نارضایتی عمومی؛ از فاجعه مغول با خیانت‌های درونی، تا کودتای ۲۸ مرداد با دخالت بیگانگان.

آیا کسی که مدعی رهبری سیاسی یا نماد ملی‌گرایی است، می‌تواند از اقدامی حمایت کند که ممکن است به خاک و مردم ایران آسیب مستقیم برزند به‌نام آزادی؟ سیاوش جنگ را رد کرد؛ آیا رضا پهلوی نیز جنگ‌طلبان را رد کرده است؟ اگر رضا پهلوی خود را وارث ایران می‌داند، آیا در آزمون اخلاقی سیاوش، سرافراز بیرون آمده است؟ رضا پهلوی، که برخی از او به‌عنوان نماد آئرناتئوی نظام کنونی یاد می‌کنند، با موضوعی که صراحتاً با تلویحاً به حمایت از حمله‌ی نظامی خارجی به ایران نزدیک می‌شود، نه‌تنها از میراث معنوی سیاوش و پادشاهی ایرانی فاصله گرفته، بلکه از دید بسیاری از مردم، مشروعیت ملی خود را در دست داده است. رضا پهلوی می‌توانست اپوزیسیون باشد. می‌توانست از جمهوری اسلامی انتقاد کند؛ اما حفظه‌ای که به نام آزادی و نجات ایران، با آتش کشورهای خارجی به تحریم ملی مردم ایران هم‌صدا می‌شود، از دایره ملی‌گرایی ایرانی خارج می‌شود. در آینه سیاوش، او نه وارث ایران است، نه فره؛ تنها نامی است بی‌جایگاه در حافظه مردمی که وطن را با جان زیسته‌اند، اگر کسی در روزهای سخت میهن، به‌نام آزادی، با حمله بیگانه هم‌صدا شود، وارث سیاوش نیست؛ تنها نامی‌ست در سایه، بی‌فره، بی‌جایگاه در وجدان ایرانی که بارها طعم تلخ دخالت بیگانه را چشیده است. میراث ایران، تنها با منش سیاوش معنا دارد؛ و این منش، آزمون بزرگی‌ست برای هر مدعی امروز.

می‌اندیشیده است و برای آنکه تورانیان نتوانند به ایران نفوذ کنند، به بهانه‌ای مانند انبار کردن هیزم، سد بلندی از چوب برپا کرده است! اکنون که ایرانیان می‌خواهند به توران بروند، باید این کوه هیزم را آتش بزنند. زمانی که گیو و بیژن این هیزم‌ها را آتش می‌زنند تا ایرانیان بتوانند به توران حمله کنند، گویی او حتی در سال‌های دور از وطن، در دل دشمن، باز هم برای ایران خاکریز می‌ساخت.

چو آمد بدان کوه هیزم فراز ندانست بالا و پنهانش باز ز آتش، سه هفته گذرشان نبود ز تفّ زبانه، هم از باد و دود. همان، آب آتش به کشتن گرفت سیاوش نشان می‌دهد که تعصب به وطن، نه فریاد است و نه کین، بلکه هدای است درونی برای فروختن حقیقت به هیچ قیمتی. او برای ایران می‌میرد، اما پیش از آن، با منش ایرانی می‌زیست و همین کافی است تا نامش در حافظه‌ی یک ملت تا همیشه زنده بماند. او نه تنها نماد میهن‌دوستی، بلکه معیار قضاوت درباره‌ی مدعیان امروزین آن است.

جدا از متون شاهنامه، نمونه‌هایی از ملی‌گرایی در تاریخ معاصر ایران نیز قابل ذکر است. به‌عنوان مثال: -احد انقلاب مشروطه، چهره‌هایی چون ستارخان و باقرخان در برابر دخالت روسیه در تبریز، از جان خود گذشتند نه برای حکومت، که برای مردم و وطن. -رئسی علی دل‌واری و ایلات جنوب در مقابل اشغالگران انگلیس جنگیدند. -خلبانان دریایی «جدی اردبیلی» و واقعاً گلوو درعین حال نشانه‌ای است از وفاداری بی‌بده و شرط به وطن. او با اینکه بعد از انقلاب از نیروی هوایی اخراج شده بود، وقتی وطن مورد حمله عراق شد، نه از روی وظیفه، بلکه از سر وفاداری به ایران برگشت و جان خویش را در آسمان تقدیم ایران کرد. او نشان داد می‌توان از سیستم رانده شد، اما از وطن نه. در دوران پهلوی، تلاش‌های گسترده‌ای برای مشروعیت‌سازی سلطنت از طریق فردوسی و شاهنامه او صورت گرفت. این تلاش‌ها به ویژه با برگزاری کنگره هزاره فردوسی به اوج خود رسید، جایی که شاهنامه به عنوان نماد هویت ملی و فرهنگی ایران معرفی شد. رجال فرهنگی و سیاسی با تلاش برای همسان‌سازی شاهپرستی و وطن‌پرستی، سعی کردند تا سلطنت را به عنوان نماینده‌ای از افتخارات ملی معرفی نمایند. در این راستا، فردوسی و آثارش به ابزاری برای ترویج ایده‌های ملی‌گرایانه و تقویت مشروعیت سلطنت پهلوی تبدیل شد. شاهنامه به عنوان یک سند تاریخی و فرهنگی، به‌طور فعال در خدمت تبلیغات سیاسی قرار گرفت و به تبیین ارتباط میان تاریخ و فرهنگ ایران و سلطنت کمک کرد. پهلوی‌ها، به‌ویژه محمدرضا شاه و اکنون رضا پهلوی، بارها خود را وارثان سنت پادشاهی کهن ایران معرفی کرده‌اند. محمدرضا پهلوی